

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمورشاه تیموری

نگاه نور

چراغ لاله بی فروخت و گل شگوفان شد
ستاره سرزد و مهتاب پرتو افشان شد
من از فراق چو ابر بهار گریانم
ز انتظار دو چشم بشد چهار بیا
بیا برای خــــدا تا کی انتظار بیا
ز روی مـــــهر درین مقدم بهار بیا
کنون که دشت و دمن گشته لاله زار بیا
ز حال من که نپرسیده ای پریشانم
شب است و درد فراق فتاده در جانم
به ماهـــــتاب نتوان گفت راز پنهانم
تحمّل شب هجران چه گونه بتوانم؟
ستاره نیز نداند که چیست درمانم؟
چو شمع گـــــریم و پروانه وار سوزانم
تو نور شمع فروزان چـــــرا نمی آئی؟
چو نکهت گل و ریحان چـــــرا نمی آئی؟
سریر پرده نشینان چـــــرا نمی آئی؟
خدا ی مذهب رندان چـــــرا نمی آئی؟
بیا که نزد اجـــــل چند روزه مهمانم
عروس ماه خرامان چو گوی سیمین است
نمود و مظهر شب آسمان زرین است
گرفته دامن شب را فضای مشکین است
نگاه من همه در سوی ماه و پروین است
به هر چه جز تو نظر کرده ام پشیمانم

نهفت کشتی مه در غروب ناپیدا برفت خوشه پروین ز کشت زار سما
سپیده سرزد و جنگل ز دور شد پیدا نرفت دیده تیمور به خواب خوش اما
بیاد ساغر و معشوق و می غزل خوانم

(المان - ششم سپتمبر ۲۰۱۱)